

دیپلماسی عمومی بریتانیا در ایران مطالعه موردی بخش فارسی سرویس جهانی بی.بی.سی

سیدمجید تفرشی

بررسی سابقه و عملکرد سرویس جهانی بی.بی.سی و بخش فارسی آن نیازمند توجه به مفهوم و اهداف برنامه‌های درازمدت دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) دولت بریتانیا در ایران و خاورمیانه است. تاکنون چند گزارش کوتاه و بلند، بیش و کم ارزشمند درباره بخش فارسی سرویس جهانی بی.بی.سی منتشر شده که اغلب آنها را همکاران سابق یا کنونی این مؤسسه نوشته است.^۱ این مقاله گزارشی کوتاه از تحقیقی مفصل‌تر است که درباره دیپلماسی عمومی بریتانیا در ایران با مطالعه موردی سرویس جهانی بی.بی.سی و رویکرد بخش فارسی آن در قبال ایران در دست تهیه است. پیش از هر چیز باید متذکر شد که در دسترس نبودن آرشیو سرویس جهانی بی.بی.سی در لندن برای عموم که در اقدامی غیرمعمول بسیاری از اسناد آن به آرشیو ملی بریتانیا انتقال نیافته موجب آن شده است که بسیاری از پرونده‌های موجود درباره بی.بی.سی در آرشیوهای عمومی مختلف در بریتانیا همچنان در معاق بوده و در اختیار محققان قرار نگیرد. از این روی مطالعه کارنامه سرویس جهانی بی.بی.سی برای پژوهشگران مستقل با دشواری بسیار همراه است، بویژه آنکه فقر تاریخ شفاهی و عدم ثبت و ضبط خاطرات در بین ایرانیان و بریتانیایی‌های مطلع و مرتبط با بی.بی.سی فارسی، خود مانعی دیگر است.

دیپلماسی عمومی

«دیپلماسی عمومی» (به تعبیر دیگر، دیپلماسی مردمی و یا به تعبیر حسام‌الدین آشنا، دیپلماسی مردم محور^۲)، در مقابل دیپلماسی استاندارد یا مرسوم مطرح می‌شود و

اصطلاحی است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی و در هنگامه جنگ سرد در امریکا و دیگر کشورهای بلوک غرب مطرح شد. مفهوم کلی دیپلماسی عمومی، برقراری روابط حسنه دولتها با ملتها به جای روابط بین دولتها و در جهت فتح قلوب و اذهان عمومی همه یا بخشهای گزیده شده‌ای از مردم کشورهای هدف از طریق سیاستهای فرهنگی و اجتماعی است.^۳

تعریف رسمی پایگاه رسمی اینترنتی وزارت امور خارجه و مشترک‌المنافع بریتانیا از دیپلماسی عمومی، «دستیابی به اهداف سیاسی از طریق کار با عموم مردم در کشورهای خارجی» است.^۴ تعریف رسمی جدیدتر از دیپلماسی عمومی بریتانیا این گونه است: «کارگر برای رسیدن به اهداف نفوذ مثبت در دیدگاه‌های افراد و سازمانهای خارجی نسبت به بریتانیا و همکاری آنها با بریتانیا».^۵

تاریخ‌نویسی مرسوم و کلاسیک معاصر، دولت امریکا^۶ و «آژانس اطلاعات ایالات متحده» را بنیان‌گذار دیپلماسی عمومی در جهان می‌داند.^۷ این سیاست امریکا در ایران نیز کارکردی به نسبت جدی و درازمدت دارد که با وجود اهمیت بسیار، از حوصله و محدوده بحث این نوشته مختصر خارج است.^۸

حکومت بریتانیا و سابقه کار بر روی افکار عمومی در ایران

اگرچه مبحث دیپلماسی عمومی به مفهوم رسمی غربی آن در ایران امری جدید و باسابقه‌ای حداکثر چهل ساله است، ولی سیاستهای مشابه آن توسط مقامات بریتانیا در ایران از ابتدای قرن نوزدهم با آغاز جدی و بی‌وقفه مناسبات دیپلماتیک دو کشور شروع شد و به خصوص از نیمه آن سده با استقرار دوایر مختلف دیپلماتیک بریتانیا در شهرهای مختلف ایران گسترش یافت.^۹

به طور کلی بیشترین حجم ارتباطات غیرمعارف مأموران بریتانیایی در عصر ما قبل دیپلماسی عمومی لندن در ایران، در فاصله نیمه قرن نوزدهم تا نیمه قرن بیستم، یعنی از زمان فعال شدن دیپلماسی بریتانیا در منطقه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تقسیم تدریجی نفوذ بریتانیا در ایران با امریکا بوده است. در این دوره که حدود یک سده به طول انجامید، در تهران و دیگر ولایاتی که دیپلمات‌های بریتانیایی در آن مستقر بوده یا رفت و آمد داشتند با مردم عادی و شخصیت‌های غیردولتی مراوده و ارتباط مداوم داشتند.

این مراودات عمدتاً در دو محور جداگانه ولی هماهنگ با یکدیگر صورت می‌گرفت: از یک سو در تهران از طریق «دبیر شرقی» یا «کنسول شرقی» سفارت (Oriental Secretary) یا (Oriental Counsellor)^{۱۰} و همکارانش که مأمور تماس با افراد مختلف حایز اهمیت در ایران و بویژه پایتخت بودند و از سوی دیگر در ولایات از

طریق کنسولها، کنسولیارها و مأموران داخلی آنان. در ولایات، ارتباط مأموران محلی بریتانیا با ایرانیان گسترده تر بود. از طریق انبوه مکاتبات متقابل موجود به زبانهای فارسی و انگلیس بین اتباع ایرانی و دیپلماتهای بریتانیایی می توان به روابط گسترده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی شخصی آنان در دوره ای طولانی دست کم صدساله پی برد.^{۱۱}

این مکاتبات شامل مواردی چون خبرچینی، تقاضای حل و فصل مشکلات از راههای غیرعادی، شکایت از مسئولان و چهره های صاحب نفوذ داخلی و خلاصه تقاضای باز کردن گروه های ناگشوده به دست مأموران بریتانیایی و همکاران محلی ایرانی آنان است. باور کلی در سده های نوزده و بیست این بود که کنسولها یا دبیران شرقی سفارت بریتانیا در ایران از اقتدار و نفوذ بسیاری در بین ایرانیان برخوردار بودند و معمولاً مستقیم یا غیرمستقیم با دوایر نظامی و امنیتی کشور خود ارتباط داشتند.

مشهورترین مورد آن، «آلن چارلز ترات» است که در سالهای اولیه پس از شهریور ۱۳۲۰ نخست در ولایات جنوبی و مرکزی ایران به عنوان کنسول سپس در تهران به عنوان دبیر شرقی کار کرد و سر ریدر بولارد، سفیر پیشین لندن در تهران، در خاطرات خود از وی به عنوان یکی از عناصر مهم دیپلماسی بریتانیا در ایران یاد کرده است.^{۱۲} بعدها نیز دیگر مقامات امنیتی - دیپلماتیک بریتانیا در ایران راه ترات را ادامه دادند که از میان شناخته شده ترین آنها در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ می توان به «رابرت چارلز زینر» (۱۹۷۴-۱۹۱۳) شرق شناس مشهور بعدی در مؤسسه شرقی دانشگاه آکسفورد^{۱۳} و «سام فال»^{۱۴} نظامی پیشین و دیپلمات ارشد بعدی در کشورهای شمال اروپا یاد کرد.

یکی از مهم ترین موارد ارتباط مقامات دیپلماتیک بریتانیا با ایرانیان در تهران و برخی دیگر از شهرها را می توان در ماجرای بست نشینی در باغ تابستانی سفارت آن کشور در قلعه در تابستان ۱۲۸۵ دید که عملاً برای مدتی چه از طریق بست نشینی مردم و چه از طریق انتقال تلگرافها، مقامات محلی دیپلماتیک بریتانیا برای مدتی واسطه انتقال پیام مشروطه خواهان ایرانی به دیگران شدند.^{۱۵}

از این نظر و با توجه به دامنه فعالیت های متعارف و نامتعارف دیپلماتهای محلی بریتانیا در ایران، شاید بتوان لندن را پیشگام دیپلماسی عمومی دولتهای سلطه جوی خارجی در تاریخ ایران چه بسا دیگر کشورهای خاورمیانه حتی پیش از رایج شدن اصطلاح و سیاسی مشخص با این نام دانست.

ابزارهای کنونی دیپلماسی عمومی بریتانیا

شیوه های اجرایی دیپلماسی عمومی بریتانیا در ایران و دیگر کشورها در سالهای قبل

از جنگ جهانی دوم، در طول دهه‌های اخیر دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده و از راه‌های مختلفی اعمال گردیده است. در سال ۲۰۰۴ وزیر امور خارجه و دارایی بریتانیا به طور مشترک کمیسیونی به ریاست لرد «پاتریک کارتر»^{۱۶} را مأمور بررسی و بازنگری اساسی در سیاست‌های دیپلماسی عمومی آن کشور کرد. نتیجه و خلاصه آشکار این تحقیق که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، در عمل در سال‌های اخیر به راهنمایی اجرایی و شیوه‌نامه دیپلماسی عمومی نوین بریتانیا در قرن بیست و یکم تبدیل شده است.^{۱۷}

در واقع سیاست‌گران و سیاست‌گزاران بریتانیایی پس از چند دهه دریافته بودند که بدون بازنگری اساسی در برنامه‌های سنتی مرسوم دیپلماسی عمومی خود قادر به رقابت با دیگر قدرتهای حاضر این صحنه در جهان امروز نخواهند بود. از زمان تدوین و انتشار گزارش لرد کارتر، بخش دیپلماسی عمومی در کمیسیون سیاست خارجی پارلمان بریتانیا نیز فعال و به طرز قابل ملاحظه‌ای بیشتر از گذشته موجب تعامل قانون‌گزاران آن کشور با سرویس جهانی بی.بی.سی و بریتیش کانسل و مسئولان آن مؤسسات در جهت دگردیسی و پوست‌اندازی آن دو نهاد سنتی و رسمی شده است.^{۱۸}

وزارت امور خارجه بریتانیا محورهای اساسی کنونی دیپلماسی عمومی این کشور را چنین اعلام کرده است: یک) سرویس جهانی بی.بی.سی^{۱۹}، دو) بریتیش کانسل (شورای فرهنگی بریتانیا)^{۲۰}، سه) شبکه خبری ماهواره‌ای «بی.اس.ان» (بریتیش ساتلایت نیوز)^{۲۱} و چهار) سازمان نمایشگاه‌های فرهنگی و تجاری بین‌المللی بریتانیا.^{۲۲} بدیهی است که در این مختصر مجال بررسی همه این موارد وجود ندارد و تنها اندکی به سرویس جهانی بی.بی.سی و بیشتر به بخش فارسی آن پرداخته خواهد شد.

سرویس جهانی بی.بی.سی

چند ماه پس از پایان یافتن جنگ جهانی اول، اولین سرویس عمومی بی.بی.سیم به نام رادیو در مارس ۱۹۱۹ در بریتانیا آغاز به کار کرد، ولی مسئولان آن کشور تا اواخر سال ۱۹۳۲ به تأسیس رادیویی بین‌المللی احساس نیاز نکردند. بخش بین‌المللی بی.بی.سی در دسامبر ۱۹۳۲ با عنوان «سرویس امپراتوری بی.بی.سی» (BBC Empire Service) فقط به زبان انگلیسی و عمدتاً برای جذب مخاطبان انگلیسی زبان در خارج از مرزهای آن کشور آغاز به کار کرد. نامی پر ابهت و پرمعنا در عصر استعمار و امپریالیسم که طبعاً امروزه مسئولان این شبکه ترجیح می‌دهند تا آن را به فراموشی کامل بسپارند و نام جدید «سرویس جهانی بی.بی.سی» را از سال ۱۹۸۸ جای‌گزین آن کرده‌اند.

سایت رسمی اینترنتی بی.بی.سی در تشریح این نام قدیمی چنین توجیه می‌کند که این نام نه برای پیشبرد اهداف امپریالیستی که برای «متحد کردن مردم انگلیسی‌زبان

کشوری که در آن زمان امپراتوری بریتانیا نامیده می‌شد» انتخاب شده بود.^{۲۳} این سرویس در فاصله چند سال به خصوص به دلیل شرایط نزدیک به آغاز جنگ جهانی دوم و نیاز به تبلیغات و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای متخاصم، دایره فعالیت خود را از زبان انگلیسی به دیگر زبانها گسترش داد. در سال ۱۹۳۸ و چند ماه قبل از آغاز جنگ جهانی دوم بخشهای عربی و اسپانیایی بی.بی.سی جهانی آغاز به کار کرد.^{۲۴}

از ابتدای تأسیس سرویس جهانی و بخش فارسی آن تاکنون، این شبکه در بین مخاطبان خود در ایران و دیگر کشورهای فارسی زبان با دو تلقی متفاوت و حتی متضاد مواجه بوده است؛ یکی به عنوان رسانه‌ای وابسته و پیوسته به وزارت امور خارجه بریتانیا یا یک امکان جهانی برای گسترش جریان آزاد رسانه‌ای. این تقابل به خوبی در تاریخ رسمی بی.بی.سی به قلم «اندر واکر» مشاهده می‌شود. وی در حالی که از قول مقامات دولت برمه این شبکه را «آسمانی پر از دروغ» ذکر می‌کند، خود در واکنش به این اتهام، سرویس جهانی و به تبع آن، کتاب خود را «یک آسمان پراز آزادی» نام می‌نهد.^{۲۵}

در واقع از همان ابتدای تأسیس در منشورها و اساسنامه‌های مختلف سرویس جهانی، مسئولان ارشد اجرایی بریتانیا از جمله در دستورالعمل مصوب «کلمنت اتلی» وزیر وقت از حزب کارگر در سال ۱۹۴۶، ضمن تأیید بر ضرورت توجه این رسانه به پیروی از سیاستهای امپراتوری و منافع ملی آن کشور، باید در انجام کار خود مستقل باشند.^{۲۶} تجربه تاریخی در کشورهای مختلف نشان داده است که در صورت بروز اختلاف بین این دو شعار یعنی التزام به منافع ملی بریتانیا و استقلال عمل، مسئولان سرویس جهان بی.بی.سی تردیدی در پیشبرد مورد اول به خود راه نخواهند داد.

این استقلال عمل در امور روزمره را درباره شبکه‌های داخلی بی.بی.سی تا حدی می‌توان پذیرفت، زیرا بودجه هنگفت این شبکه‌ها از مالیات مستقیم و سالیانه مردم با نام «لایسنس فی / مالیات تلویزیون» تأمین می‌شود^{۲۷}، ولی بودجه سرویس جهانی مستقیماً از سوی وزارت امور خارجه آن کشور تأمین و بخش جهانی رسماً از نظر اداری زیرمجموعه و تحت دستگاه دیپلماسی لندن محسوب می‌شود و سیاستهای کلان آن مرتباً به شکل مستقیم یا غیرمستقیم زیر نظر مسئولان دولتی یا نمایندگان آنان قرار دارد. مسئولان بی.بی.سی در شرایطی اصرار بر استقلال سرویس جهانی خود دارند که برای تصویب و اجرای برنامه‌های مختلف خود نیازمند ارائه طرحهای خود به مسئولان قانون‌گذاری و اجرایی بررسی و تأیید مستقیم پارلمان از طریق بخش دیپلماسی عمومی کمیسیون خارجی و وزارت امور خارجه آن کشور هستند.

گزارش مجلس اعیان بریتانیا در بررسی منشور پیشنهادی سرویس جهانی در دوره

پارلمانی سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۶ چنین آمده است: «از زمان تأسیس سرویس جهانی بی.بی.سی، استقلال آن اساس توفیق آن بوده است. با این همه به دلیل آنکه وزارت امور خارجه و مشترک‌المنافع اداره تأمین‌کننده مالی سرویس جهانی است، روابط رسمی بین آن [سرویس جهانی بی.بی.سی] و دولت علیاحضرت ملکه وجود دارد. توافق رسانه‌ای^{۲۸} بین بی.بی.سی و وزارت امور خارجه تعیین‌کننده اهداف راهبردی سرویس جهانی بی.بی.سی است. این [توافق] سرویس جهانی بی.بی.سی را متعهد می‌سازد که برنامه‌های تولید و پخش شده و اولویت‌های رسانه‌ای خود را بر اساس قراردادش با وزارت امور خارجه تنظیم کند. همچنین وزارت امور خارجه نقش تصمیم‌گیرنده‌ای دربارہ شیوه کارکرد سرویس جهانی بی.بی.سی خواهد داشت...»^{۲۹}

این تعامل از آن زمان تاکنون با تغییر و تحولات جزئی ادامه داشته است و همواره بخش مشخصی در وزارت امور خارجه بر سیاست‌های میان‌مدت و درازمدت بی.بی.سی جهانی نظارت داشته و دارد. برای نمونه «سرنیکلاس برینگتون» دیپلمات شرق‌شناس سالخورده بریتانیایی، خود سالها در اوایل و اواسط خدمتش، نماینده ناظر و رابط وزارت امور خارجه با سرویس جهانی بوده که جزئیات این تعامل در اسناد موجود در آرشیو ملی بریتانیا و آرشیو سرویس جهانی و نیز خاطراتش قابل پی‌گیری است. نکته قابل توجه دیگر در نقد و بررسی سرویس جهانی بی.بی.سی اینکته حتی اگر، به فرض، آزادی و استقلال عمل مسئولان و کارکنان این شبکه از وزارت امور خارجه بریتانیا جدی انگاشته شود، باز هم بر اساس تجربه و اطلاعات موجود می‌توان گفت که تأسیس کل این شبکه و بخشهای متعدد و مربوط به زبانهای گوناگون آن، دقیقاً بر اساس اهداف آشکار و نهان بین‌المللی و فرامنطقه‌ای وزارت امور خارجه بریتانیا می‌باشد. این قضیه بیشتر از هر قسمت دیگری درباره زمان تأسیس بخشهای سه‌گانه فارسی (رادیو، تلویزیون و آن لاین) صادق است که به آن خواهیم پرداخت.

تأسیس بخش فارسی سرویس جهانی بی.بی.سی

بیشتر محققان، حتی مورخان رسمی و غیررسمی بی.بی.سی، ابایی از ذکر این نکته ندارند که تأسیس بخش فارسی رادیو بی.بی.سی در اصل برای ختشی کردن فعالیت‌های تبلیغاتی بخش فارسی رادیو برلین در میان مخاطبان ایرانی نیز و تحت فشار قرار دادن رضاشاه پهلوی در پیروی از سیاست‌های جنگی متفقین و در مرحله بعد توجیه اشغال نظامی ایران توسط نیروهای نظامی بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت.^{۳۰} تأسیس بخش فارسی رادیو بی.بی.سی تقریباً از ابتدای جنگ، مورد نظر مقامات لندن بود. ظاهراً نخستین بار پیشنهاد و ضرورت این امر از سوی بولارد در گزارش ۲۹

دسامبر ۱۹۳۹ (سه ماه پس از آغاز جنگ) به لندن ارسال شد. این پیشنهاد چهل روز بعد در نهم فوریه ۱۹۴۰ از سوی لندن تأیید و به بولارد ابلاغ شد که وزارت امور خارجه و خزانه‌داری بودجه لازم برای تأسیس بخش فارسی را مهیا کرده‌اند.^{۳۱}

پیش از تأسیس رادیوی فارسی بی.بی.سی، از سوی سفارت بریتانیا در تهران و بویژه دوشیزه «آن کاترین لمبتون» (۱۹۱۲-۲۰۰۸)^{۳۲} وابسته مطبوعاتی سفارت در گزارشهای خود به لندن مکرر از تداوم و افزایش نفوذ تبلیغاتی آلمان نازی در میان مقامات و مردم ایران هشدار داده و از ضرورت نوعی ابتکار عمل در ماشین تبلیغات جنگی لندن از قبیل ترجمه اخبار و تفسیرهای جنگی سخن گفته بود.^{۳۳}

در ۲۳ دسامبر ۲/۱۹۴۰ دی ۱۳۱۹، پانزده ماه پس از آغاز جنگ جهانی دوم و در هنگامه برنامه‌ریزی متفقین برای حمله نظامی به ایران (هشت ماه قبل از سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران)، بخش فارسی رادیو بی.بی.سی آغاز به کار کرد.^{۳۴} این در حالی بود که «ویکتور گلدنینگ» نخستین رئیس بخش فارسی با توصیه و نظارت مستقیم «راجر استیونس» رئیس وقت بخش شرقی وزارت امور خارجه بریتانیا و سفیر بعدی آن کشور در تهران به سمت خود برگزیده شد.^{۳۵}

بی.بی.سی با درس گرفتن از تجربه بهرام شاهرخ و دیگر همکاران ایرانی وی در تأسیس بخش فارسی رادیو برلین، بنای بخش تازه تأسیس فارسی را با کمک چند ایرانی قرار داد که از آن میان دو نفر شاخص‌تر از بقیه بودند: حسن موقر بالیوزی^{۳۶} و مجتبی مینوی^{۳۷}. هم بالیوزی و هم مینوی دیدگاهها و اغراض خاص دینی یا سیاسی داشتند که برخلاف ادعای بی.بی.سی در بی‌طرفی رسانه‌ای، نوشته‌ها و تولیدات رادیویی آنان شبهه‌انگیز بود.

بالیوزی، از چهره‌های سرشناس بهایی، پس از ادامه تحصیل در بریتانیا ازدواج کرد و ماندگار شد اما مینوی به دلایل سیاسی و احتمالاً بر اثر سعایت و پاپوشهای مرسوم در اواخر دوره سلطنت رضاشاه پهلوی قادر به بازگشت به ایران نبود. به قول فرزند مینوی، سعایت بدخواهان، سفر نه ماهه تحقیقاتی او را به اقامتی پانزده ساله در لندن تبدیل کرد.

در واقع چه در مسئله دخالت وزارت امور خارجه در تعیین رئیس بخش فارسی و چه در گزینش مسئله رهبر بهایی سرشناس، بی.بی.سی نشان داد که تا چه حد از ادعای بی‌طرفی خود به دور بوده است. برخی از کارکنان این شبکه معتقدند همه این موارد استثنایی و محصول دوران خاص و تکرارشدنی جنگ جهانی دوم بود و نمی‌توان حکم قاعده بر آنها نهاد. ولی تجربه نشان داده است که چه در مسئله تأثیرگذاری بهاییان در سیاست‌گذاری بخش فارسی، چه در مورد جذب ناراضیان مستأصل سیاسی

ایرانی و چه در مورد مداخلات وزارت امور خارجه بریتانیا با بازنگريها و فراز و فرودهایی، حکایت همچنان باقی است.

لازم به ذکر است که بحث کنونی به جواز استفاده از ناراضیان سیاسی در رسانه‌ای بین‌المللی و سمت‌گیری خاص سیاسی و ایدئولوژیک آنان و یا رد و تأیید پیروی از آموزه‌های بهائیت مطلقاً ربط ندارد، بلکه مسئله مغایر بودن استفاده از افراد متعصب و با دیدگاه‌ها و پیش‌داوریهای سیاسی یا دینی با موازین ادعایی سرویس جهانی مبنی بر رعایت بی‌طرفی در اخبار و گزارشهای خود و لزوم استفاده از برنامه‌سازان بی‌غرض و پیش‌فرضهای شخصی است که به آن اشاره خواهد شد.

مسئله جذب و گزینش مینوی به عنوان ادیبی آشنا به تحولات جاری روز کشور هدف تبلیغات، برای تأسیس بخش فارسی بی.بی.سی و به خصوص شروع به کار اولیه آن تا بدانجا مهم و سرنوشت‌ساز بود که در گزارشی محرمانه درباره این گزینش چنین ثبت شد: «اکنون برای راه‌اندازی بخش فارسی آماده‌ایم.»^{۳۸}

مینوی، تنها ادیب ناراضی ایرانی مقیم لندن در زمان جنگ نبود که در اوایل کار بخش فارسی به استخدام رادیوی بی.بی.سی درآمد، بلکه دیگرانی چون مسعود فرزاد^{۳۹} و مجدالدین میرفخرایی (گلچین گیلانی)^{۴۰} نیز با مینوی همکاری می‌کردند. از این میان مینوی و فرزاد در سالهای آغازین جنبش ملی شدن صنعت نفت از بی.بی.سی جدا شدند و به راه‌های جداگانه‌ای رفتند. مینوی به تهران بازگشت و به استخدام دانشگاه درآمد، فرزاد به اقامت خود در لندن و پی‌گیری کارهای ادبی و پژوهشی خود و بعدها کارمندی محلی و رایزنی فرهنگی سفارت ایران پرداخت^{۴۱} و میرفخرایی نیز به عنوان مترجم، کارمند محلی و مشاور پزشکی به استخدام همان سفارتخانه درآمد.

یکی از نکات قابل توجه در تاریخ بخش فارسی بی.بی.سی که نگارنده طی سالهای اخیر در موارد بسیاری با آن مواجه بوده و یا دریافته اینست که اغلب محققان و نویسندگان ایرانی که در بخشی از زندگی خود به هر دلیل، سیاسی یا اقتصادی، با نام یا بدون نام، تن به همکاری تمام وقت با بی.بی.سی داده‌اند علاقه‌ای به ذکر این نکته در کارنامه، خاطرات و بیوگرافی خود نداشته و یا از آن با افتخار و به نیکی یاد نکرده‌اند.^{۴۲} اگرچه این دسته از نویسندگان و نخبگان ایرانی که در برهه‌هایی از زندگی خود با بخش فارسی بی.بی.سی همکاری داشته‌اند اغلب تأثیر بسزا و انکارنشدنی در افزایش سطح کیفی و ارائه برنامه داشته‌اند، ولی کمتر اثری از آنان در تأثیرگذارهای کلان، میان‌مدت و یا درازمدت آن شبکه یافت می‌شود. به گفته یکی از همین دست افراد در مصاحبه با نگارنده، «با سوءاستفاده از استیصال مالی و سیاسی و بعضاً مشکلات مهاجرتی، برخلاف شعارهای بی.بی.سی از تواناییهای آنان استفاده ابزاری شده است.»

بر عکس، برخی کسانی که برخلاف دیگران، به طور کامل جذب بدنه اصلی اداری و اجرایی دایمی بی.بی.سی نشده بودند در مواردی زیر ذره بین مقامات سیاسی و امنیتی بریتانیا قرار داشتند که نمونه دقیق و طولانی آن را می‌توان در ماجرای دوازده سال تعقیب و عملیات پنهانی سازمان «MI5» - سازمان امنیت داخلی بریتانیا - و پرونده‌سازی علیه مسعود فرزاد (از ابتدای ۱۹۴۳ تا پایان ۱۹۵۴) می‌توان یافت. در مورد او گمان می‌رفت که با برادرش هومان (همایون) فرزاد^{۴۳} مترجم و همکار چتربازهای آلمان هیتلری در ایران در جنگ جهانی دوم، همکاری می‌کرد.^{۴۴}

یکی از مواردی که چه مسئولان سرویس جهانی بی.بی.سی و چه گزارشگران تاریخ بخش فارسی آن، خواسته یا ناخواسته، از کنار آن گذشتند و یا آن را بسیار کم‌رنگ نشان داده‌اند، حضور و تأثیر انکارنشده‌ی حسن موقر بالیوزی (۱۹۸۰-۱۹۰۸) و دیگر بهایبان در یک دوره طولانی در سطوح جدی و سیاست‌گذاری این رسانه است.

بالیوزی نخستین کسی بود که در ابتدای تأسیس بی.بی.سی فارسی از آن رادیو برای مخاطبان سخن گفت.^{۴۵} وی از اعضای خاندان افغان و از اقوام نزدیک میرزا علی محمدباب و فرزند محمدعلی (محمود) موقرالذوله بالیوزی، حاکم پیشین بوشهر و وزیر فواید عامه و تجارت در کابینه کودتای سیدضیاءالدین طباطبایی در اواخر ۱۲۹۹ و اوایل ۱۳۰۰ شمسی بود.^{۴۶} بالیوزی در شرایطی به استخدام بی.بی.سی درآمد که چند ماه قبل از آن به عضویت مجمع ملی بهایبان موسوم به رضوان درآمده بود.

بالیوزی در ۱۹۵۶، چند سال بعد از تأسیس بخش فارسی، در سال ۱۹۵۶ به عنوان نزدیک‌ترین مشاوران شوقی افندی ربانی آخرین رهبر شناخته شده بهایبان جهان با عنوان یکی از «آبادی امرالله» به عضویت بالاترین شورای اداری و دینی بهاییت (تقریباً معادل کاردینال ارشد در مذهب کاتولیک) درآمد. بالیوزی علاوه بر نگارش حدود ده اثر با موضوع تاریخ و تبلیغ بهاییت، سالها رئیس «مجلس ملی معنوی بهایبان» جزایر بریتانیا، به منزله ریاست کل اداری و اجرایی بهایبان بریتانیا بود.^{۴۷} وی در طول حدود دو دهه کار در بی.بی.سی فارسی عملاً به یکی از افراد کلیدی و به شدت تأثیرگذار این شبکه تبدیل شد.^{۴۸}

بالیوزی در این مدت با همه قوا به مسئولیتهای رسانه‌ای و نیز به امورات دینی خود اشتغال داشت تا از این طریق نشان دهد که مسئولان بی.بی.سی دست کم در بخش فارسی، چندان نگران عمل به منشور نیستند که بر خود ضرورت حفظ بی‌طرفی و خودداری دبیران، تهیه‌کنندگان و کارکنان در زمینه سیاسی و دینی تصریح و تأکید داشت.^{۴۹}

حضور چشمگیر بهایبان در سطوح مختلف سرویس جهانی بی.بی.سی از

مدیریت‌های کلان آن شبکه به پایین، ضمن تأثیرگذاریه‌های نامحسوس پنهان خود در لایه‌های زیرین این شبکه، گاه نموده‌های آشکاری نیز داشته که از آن میان می‌توان به مصاحبه کاملاً تبلیغاتی و فرمایشی با «مری مکسول» (ملقب به روحیه خانم) بیوه شوقی افندی، رهبر سابق بهائیان، در تاریخ ۱۸ اگوست ۱۹۸۱ اشاره کرد.^{۵۰}

در بی.بی.سی تهیه رپرتاژ، یا آگهی‌های تبلیغاتی گزارش‌گونه سابقه‌ای طولانی دارد و به سالهای دور محدود نمی‌شود. انتشار اخبار و گزارشهای متعدد در موضوع بهائیان، نشان‌دهنده تداوم این سیاست و استفاده از کارت بهائیت علیه ایران است. در این باره برای نمونه می‌توان به مجموعه گزارشهای متعدد، جانبدارانه و آگهی‌گونه خبرنگاران اعزامی بخش فارسی بی.بی.سی به اسرائیل درباره مرکز مختلف بهایی در عکا و دیگر سرزمینهای فلسطینی اشاره کرد. در این گزارش، حکومت ایران به بهایی‌ستیزی و یهودی‌ستیزی متهم شده است.^{۵۱}

با بررسی موضوعات، عناوین و محتوای این قبیل نوشته‌ها تعجب نخواهیم کرد اگر بدانیم که همه گزارشگران اعزامی و ارسال‌کنندگان این قبیل آگهی‌های گزارش‌گونه از عکا و دیگر شهرهای آن خطه، به سرعت راه ترقی را در بی.بی.سی پیموده‌اند. همه آنها نه تنها در تغییر و تحولات اخیر این شبکه ارتقای رتبه یافته‌اند بلکه از هم‌اکنون برای ایشان جایگاه بالایی در تلویزیون فارسی آن در نظر گرفته شده است.

در هر حال بی.بی.سی فارسی از ابتدای تأسیس خود تا پایان تابستان ۱۳۲۰ کارزار تبلیغاتی بی‌وقفه‌ای را در سه جبهه صورت می‌داد: بدبین کردن ایرانیان نسبت به آلمان هیتلری و متحدانش، ایجاد بدبینی درباره رضاشاه به عنوان همکار آلمان^{۵۲} و در نهایت آماده‌سازی اذهان عمومی برای اشغال ایران^{۵۳} و توجیه راهبردی آن^{۵۴}. برای رسیدن به این اهداف، یک کارمند سابق شرکت نفت انگلیس و ایران به نام «لورنس پاول الول ساتن» (۱۹۱۲-۱۹۸۴) به عنوان مشاور و ناظر ارشد به استخدام رادیو بی.بی.سی فارسی درآمد.^{۵۵} الول ساتن در سالهای واپسین جنگ و پس از لمبتون، وابسته مطبوعاتی و تبلیغاتی سفارت کشورش در تهران شد. سپس همانند لمبتون به کرسی استادی تاریخ و زبان فارسی (البته در دانشگاه ادینبورو اسکاتلند) دست یافت.^{۵۶}

هنگامه جنگ جهانی دوم صحنه پیکار خاموش وزارت امور خارجه و مسئولان ارشد بی.بی.سی با برخی از کارکنان بخش فارسی برای انتشار مطالب تبلیغاتی و فرمایشی دیکته شده از سوی وزارت امور خارجه بود. این مسئله در ابتدا این‌گونه حل شد که مطالب ارسالی به عنوان خبرنگار به ظاهر مستقل تهیه شود. اختلاف‌نظر این‌گونه خاتمه یافت: «بی.بی.سی پذیرفت که دولت انگلستان به لحاظ قانونی می‌تواند با پذیرش کامل و علنی مسئولیت بخش هر چیزی را از بی.بی.سی فارسی بخواهد».^{۵۷}

در شرایطی که نویسندگان حامی استقلال رأی بخش فارسی بی.بی.سی از پیروزی استقلال رأی کارکنان آن رسانه بر وزارت امور خارجه بریتانیا در مسئله دخالت در محتوای برنامه‌ها سخن گفته‌اند، عباس دهقان که از نسل نخستین گزارشگران بخش فارسی بی.بی.سی است، به صراحت درباره موضوع استقلال رأی آن رسانه چنین گفته است: «ما دقیقاً آنچه که به ما داده می‌شد می‌خواندیم. ما مجاز به هیچ تغییری نبودیم. دو نفر انگلیسی بودند که به آنچه که ما پخش می‌کردیم نظارت می‌کردند. آنها به زبان فارسی صحبت می‌کردند و به دقت گوش می‌کردند.»^{۵۸}

سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ دوره پاگیر شدن بی.بی.سی فارسی در بین ایرانیان بود. در این دوره مقامات وزارت امور خارجه بریتانیا تصمیم گرفتند نفوذ خود بر سرویس جهانی و بخش فارسی را به شکل غیرمستقیم و نامحسوس اعمال کنند. با این همه، با آغاز جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران، بی.بی.سی بار دیگر «استثنائاً» و بر اساس «مصالح ملی بریتانیا»، آشکارا با سیاستهای تأمین‌کننده مالی خود همراه شد؛ نخست با تهیه گزارشها و تفسیرهایی در ارائه تصویری مثبت از کارنامه شرکت نفت انگلیس و ایران،^{۵۹} سپس با همگامی کامل با دولت لندن در مقابله با ملی شدن صنعت نفت و پایدار ماندن این سیاست و در آخر با هم‌دستی کامل با طرح سرنگونی مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

به دنبال روی کار آمدن دولت دکتر محمد مصدق در خرداد ۱۳۳۰ و با بالاگرفتن تدریجی مناقشه بین تهران و لندن و طرح احتمال وارد کردن ناوهای جنگی بریتانیا به آبهای ایران و اشغال مراکز نفتی، مسئولان وزارت امور خارجه بریتانیا به بخش فارسی دستور دادند تا به برنامه‌های روزانه خود نیم‌ساعت بیفزاید. این افزایش برنامه بی.بی.سی فارسی در ۱۵ دقیقه عملی شد، ولی پس از مدتی با از میان رفتن گزینه نظامی بریتانیا علیه ایران متوقف گشت.^{۶۰}

این گونه بود که حتی الول ساتن، که خود روزگاری در ابتدای راه همکار مهم بخش فارسی بی.بی.سی بود، در کتاب کلاسیک خود درباره نفت ایران می‌نویسد: «از لندن، جایی که بی.بی.سی با دو برابر کردن برنامه‌های خود به زبان فارسی در دسرافزین شده بود، به ایرانیان گفته می‌شد که اگر شرایط شرکت نفت انگلیس و ایران پذیرفته نشود، کارکنان انگلیسی صنعت نفت ایران را ترک خواهند کرد.»^{۶۱}

اصرار مسئولان وزارت امور خارجه و سرویس جهانی به پخش برنامه‌های تبلیغی علیه ملی شدن صنعت نفت در ایران و حکومت مصدق تا آنجا پیش رفت که تهیه‌کنندگان و کارکنان فارسی این شبکه به عنوان اعتراض به این سیاست، برای مدتی دست از کار کشیدند.^{۶۲}

پرده آخر نمایش همگامی بی.بی.سی فارسی با دولت بریتانیا علیه ملی شدن صنعت نفت در ایران، همکاری مستقیم این شبکه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی حکومت مصدق بود. شبکه چهار رادیو بی.بی.سی در روز ۲۲ آگوست ۲۰۰۵ برنامه‌ای از سری برنامه‌های موسوم به «داکیومنٹ/سند» با عنوان «یک کودتای خیلی بریتانیایی» پخش کرد. در این برنامه که توسط مایک تامپسون مجری و برنامه‌ساز مشهور این شبکه تولید شده بود، اعلام گشت که گوینده بی.بی.سی با اعلام جمله «اکنون ساعت دقیقاً ۱۲ نیمه شب است» به جای جمله همیشگی «اکنون ساعت ۱۲ نیمه شب است» پیامی رمزی به شاه و همراهانش برای اطمینان بخشیدن به آنان و نشان دادن آمادگی لندن برای عملیات کودتا داد.^{۶۳}

بی‌جهت نبود که در گزارش تهیه شده از سوی بی.بی.سی برای بخش دیپلماسی عمومی کمیسیون روابط خارجی پارلمان بریتانیا در تبیین برنامه‌های کنونی و آینده آن شبکه برای ایرانیان چنین ذکر شده است: «بسیاری در ایران بی.بی.سی را ابزاری برای مداخله امپراتوری بریتانیا... [می‌دانند و] بسیاری از ملی‌گرایان گزارشهای بی.بی.سی را برای ایفای نقشی کلیدی در طرفداری از شاه و مخالفت با مصدق مورد انتقاد قرار می‌دهند.»^{۶۴}

بی‌جهت نبود که در گزارش تهیه شده از سوی بی.بی.سی برای بخش دیپلماسی عمومی کمیسیون روابط خارجی پارلمان بریتانیا در تبیین برنامه‌های کنونی و آینده آن شبکه برای ایرانیان چنین ذکر شده است: «بسیاری در ایران بی.بی.سی را ابزاری برای مداخله امپراتوری بریتانیا... بسیاری از ملی‌گرایان گزارشهای بی.بی.سی را برای ایفای نقشی کلیدی در طرفداری از شاه و مخالفت با مصدق مورد انتقاد قرار می‌دهند.»^{۶۵}

در دو دهه فاصله سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲ (۱۹۵۳ تا ۱۹۷۳) بی.بی.سی روابط نسبتاً مناسبی با ایران داشت. شاه به مرور بر قدرت خود می‌افزود و بریتانیا نیز با پذیرفتن جایگاه دوم در صحنه سیاسی ایران می‌کوشید تا در جایگاه مبادلات نظامی و اقتصادی به رتبه نخست و بالاتر از دوست و رقیب خود امریکا دست یابد.

تحولات بین‌المللی در سال ۱۹۷۳ از جمله افزایش چهار تا پنج برابری بهای جهانی نفت و افزایش اقتدار شاه بر همه چیز بویژه مناسبات ایران و بریتانیا و روابط ایران و بی.بی.سی تأثیرگذارند. و از آن پس تهران به روشهای تبلیغی و رسانه‌ای سرویس‌های داخلی و خارجی بی.بی.سی حساسیت نشان می‌داد.

در این مدت بی.بی.سی ضمن ارائه سیاستهای رسمی لندن در قبال تهران، گاه به عنوان اهرم فشار عمل می‌کرد و با انتقاد از عملکرد نظام سعی داشت تا برای منافع بریتانیا در تهران گروکشی کند. چنان که از مصاحبه‌های نگارنده با چند تن از مسئولان حکومت پهلوی برمی‌آید، محمدرضا شاه صرفاً از باب انتقاد بی.بی.سی فارسی نسبت به

خود و خاندانش از این شبکه ناراحت نبود بلکه گاه مشکل ایران با بی.بی.سی با منافع ملی ایران مرتبط می‌شد. این موضوع به وضوح در مسئله جزایر سه‌گانه خلیج فارس و اعاده حاکمیت ایران بر آنها و مواضع ضدایرانی و هواداری سرویس جهانی بی.بی.سی از اعراب می‌توان یافت.^{۶۶}

آنتونی پارسونز، سفیر بریتانیا در تهران در روز اول آگوست ۱۹۷۵ (دهم مرداد ۱۳۵۴) در گزارشی انتقادی و محرمانه به لندن درباره عملکرد بی.بی.سی فارسی، ضمن اشاره به پایین بودن مخاطبان این شبکه نوشت: «من سی سال است که درگیر مسائل خاورمیانه‌ام و می‌توانم صادقانه بگویم که نه پیش‌داوری علیه بی.بی.سی دارم و نه ضد اطلاع‌رسانی هستم... من از موضع فوری مصلحت‌اندیشی سیاسی به موضوع نگاه نمی‌کنم... بگذارید ۲۵ سال به عقب برگردیم و به آینده بنگریم، می‌توانیم قسم بخوریم که در یک دوره ۲۵ ساله، سرویس عربی و فارسی بی.بی.سی کسانی را که در این دوره دولتهای آلفرناتیو طرفدار غرب در خاورمیانه تشکیل داده و یا بخشی از آن حاکمیت شده‌اند، تحت تأثیر خود قرار داده است... واقعیت این است که در این دوره، رژیمهای پوشالی و چینش کنونی خاورمیانه در دوره پس از جنگ جهانی دوم خودکامه‌تر و مستبدتر [از رژیم‌های قبلی] هستند.»^{۶۷}

پارسونز در این نامه کم سابقه که با اعتراض شدید مقامات لندن روبه‌رو شد، با اعتراف به دخالت بی.بی.سی در امور کشورهای خاورمیانه و تحت‌تأثیر قرار دادن دولتهای این منطقه، تصریح کرد که نتیجه این مداخله بریتانیا و بی.بی.سی، روی کار آمدن دولتهایی بدتر از قبل بوده است.

به هنگام آغاز انقلاب اسلامی در ایران، بی.بی.سی ابتدا سعی در کم‌رنگ نشان دادن این نهضت داشت، ولی به مرور و با اوج‌گیری انقلاب، این رسانه نیز ناگزیر به انعکاس رویدادها و خواسته‌های انقلابیون و رهبران آنان شد. تا زمان انتشار اسناد محرمانه مربوط به سالهای ۱۹۷۸ به بعد دقیقاً نمی‌توان درباره نقش بی.بی.سی در رویدادهای آن هنگام ایران قضاوت کرد و نمی‌توان به ادعاهای بی‌پایه و مدرک مبتنی بر تئوری توطئه مرسوم در بین برخی از ایرانیان در این باره توجه کرد. با وجود این، «تیم له ولین» خبرنگار سرویس جهانی بی.بی.سی در ایران در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی، در گفتگو با نگارنده، این ادعا که در انقلاب بی.بی.سی نقش یک محرک و مهیج را داشت رد کرد و گفت: من خود به دلایل مواضع پیشرویی که داشتم، برای اجرای سیاست رسمی لندن مبنی بر عدم انتقاد از حکومت پهلوی و به خطر نینداختن مناسبات دوجانبه، از سوی بی.بی.سی تحت فشار بودم.^{۶۸}

اگرچه بررسی وضعیت سرویس جهانی بی.بی.سی در سالهای پس از انقلاب

اسلامی نیازمند زمان و مجال دیگری است، ولی ذکر چند نکته گذرا ولی قابل تأمل در این باره ضروری است:

در سالهای پس از انقلاب، بی.بی.سی فارسی به دلایل مختلف مأمونی برای فعالیت افرادی شده بود که با حکومت پس از انقلاب سر ناسازگاری داشتند و حتی به شکلی فعال و منظم در سازمانهای سیاسی و شبه‌نظامی عضو یا هوادار آنها بوده‌اند. اقدامی که به هر صورت در تضاد آشکار با همه منشورهای قدیم و کنونی بی.بی.سی و ادعای بی‌طرفی و عدم جانبداری آن شبکه است.^{۶۹}

در دهه ۱۹۸۰ با توجه به تحولات رسانه‌ای و ظهور شبکه‌هایی چون سی.ان.ان، سرویس جهانی بی.بی.سی و به تبع آن بخش فارسی تا حد زیادی در رقابت با شبکه‌های بین‌المللی چون صدای آمریکا و حتی سی.ان.ان، از نخبه‌گرایی چه در مورد کارکنان خود و چه در مورد محتوا و کیفیت برنامه‌سازی برای مخاطبان دست کشید و به تولید برنامه‌های لایت و عامه‌پسند روی آورد.

در دهه‌های ۱۹۹۰ و با گسترش اینترنت، سرویس جهانی بی.بی.سی نیز به بخش آنلاین و اینترنتی مجهز شد و سرویس فارسی آن رسانه نیز از راهی جدید به ارتباط‌گیری با مخاطبان فرامرزی خود پرداخت.

سیاست پیروی از منویات وزارت امور خارجه بریتانیا تا جایی برای سرویس جهانی بی.بی.سی پیش رفت که این شبکه در اوج مشکلات اداری و مالی و در میانه‌خانه تکانی و کم کردن برنامه‌ها و بخشهای مختلف خود ناگهان در اکتبر ۲۰۰۶، با چراغ سبز وزارت امور خارجه پارلمان آن کشور، تأسیس شبکه تلویزیونی فارسی زبان (یا چنان که خود می‌گویند پی.تی.وی) را در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد.^{۷۰}

شانزده ماه قبل، «نایجل چپمن» رئیس سرویس جهانی بی.بی.سی در نشست ۲۷ ژوئن ۲۰۰۷ کمیسیون روابط خارجی مجلس عوام بریتانیا، ضمن اشاره به مشکلات مالی و لزوم تعطیلی یا کاهش شماری از برنامه‌های این شبکه، به صراحت از تأسیس تلویزیون فارسی زبان بی.بی.سی به عنوان «بالاترین اولویت در برنامه پیشنهادی [به وزارت امور خارجه] که دارای پرونده‌ای بسیار قوی است یاد کرد.^{۷۱}

در سالهای اخیر، برنامه بازنگری جدی بریتانیا در بحث دیپلماسی عمومی صورت گرفت و از حمایت پارلمان آن کشور نیز برخوردار شد. برای نمونه در این باره می‌توان به فعال شدن مجلس عوام بریتانیا در بحث دیپلماسی عمومی و لزوم تحول رسانه‌ها در این مورد، حمایت از چند طرح تحقیقاتی درباره ابعاد مختلف سرویس جهانی و برگزاری همایش بزرگ دو روزه در دسامبر سال گذشته در دانشگاه لندن به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تأسیس سرویس جهانی بی.بی.سی اشاره کرد.^{۷۲}

سخنرانان متعدد این همایش، طی دو روز، بحث‌های گوناگونی مطرح کردند ولی بیت‌الغزل اکثر مباحث آنان جا انداختن، استقلال رأی، بی‌طرفی و تعادل رسانه‌ای سرویس جهانی بی.بی.سی بود. در برخی نوشته‌ها و مصاحبه‌های مربوط به بی.بی.سی چنین عنوان شده که دخالت وزارت امور خارجه بریتانیا در بخش فارسی محدود به دوره‌هایی خاص مانند شهریور ۱۳۲۰، ملی شدن صنعت نفت یا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بوده است و هیچ دخالتی از بالا در نحوه کار تهیه‌کنندگان این شبکه وجود ندارد.^{۷۳} این دیدگاه و به فرض صحت، از آنجا ناشی می‌شود که عده‌ای به نادرست چنین می‌پندارند که همه کارکنان رده پایین و بالای سرویس جهانی و بخش فارسی آن موظف به نوکری روزمره و اطاعت مداوم از دستورات مقامات بالای اداری و سیاسی هستند و اساساً سرویس جهانی و وزارت امور خارجه نیازی به چنین اقدامی دارند. در اسنادی که سال گذشته در آرشیو ملی بریتانیا آزاد اما هنوز منتشر نشده، گزارشی درباره بریفینگ اعضای وزارت امور خارجه بریتانیا توسط کارکنان بخش فارسی، از جمله جلسه توجیهی یکی از کارکنان تازه‌کار بخش فارسی درباره جشن هنر شیراز در سال ۱۹۷۷ وجود دارد.

از سوی دیگر، تجربه موجود دست کم در بخش فارسی نشان داده که برنامه‌سازان، بیش و کم در انجام کار خود آزادند. ولی آنهایی که هماهنگ با سیستم مرکزی عمل نمی‌کنند به مرور با انتقاد مدیران خود مواجه و منزوی می‌شوند، به ندرت و با تأخیر ارتقای درجه می‌یابند و در نهایت با شرایطی مواجه می‌شوند که یا باید بی‌سر و صدا به کار خود به عنوان کارمند دون‌پایه، تحت مدیریت افراد کم‌سابقه‌ای که دارای دانش و تجربه کمتری هستند، به کار خود ادامه دهند و یا مانند شماری دیگر عطای بی.بی.سی را به لقای آن ببخشند.

پایین آمدن تدریجی سطح کیفی و دانش عمومی تصمیم‌گیرندگان بخش فارسی بی.بی.سی و عدم علاقه آنان به ارجاع مشاغل کلیدی به افراد دارای استقلال رأی موجب شده تا عمدتاً افرادی خارج از کارکنان رسمی برای این شبکه به خصوص در بخش تلویزیون آن استخدام شوند. این افراد با حداقلی قابلیت‌های فنی، فاقد خصوصیات خلاق و اصول غیرقابل انعطاف حرفه‌ای رسانه‌ای هستند. این عده در واقع بار اصلی بخش‌های سه‌گانه بی.بی.سی فارسی (رادیو، آنلاین و تلویزیون) را بر دوش دارند، بدون آنکه در محتوا، سمت و سو و تصمیم‌گیرهای عمده آن تأثیرگذار باشند.

اصرار بر استخدام افراد «اهل» و «تأیید» شده در جریان عضوگیری برای تلویزیون فارسی بی.بی.سی تا جایی پیش رفته است که در استخدام افراد موردنظر در مشاغل بالای ادیتوریل، نه تنها شرط اولیه آگاهی از امور تصویری و تلویزیونی حذف شده

است، بلکه شبکه پذیرفته است که به جای استخدام افراد واجد شرایط، افراد موردنظر خود را گزینش کند و تمام آموزشهای مربوطه را از صرف به آنان بدهد. عدم دانش کافی تعدادی از مسئولان و گردانندگان بخش فارسی در عمل موجب آن شده است که این شبکه بیش از پیش نیازمند شبکه مادر و بی.بی.سی اصلی انگلیسی زبان شود و همانند دوران اولیه رادیو بی.بی.سی، بخش فارسی حتی درباره مسائل مربوط به ایران، اسلام و خاورمیانه همانند دارالترجمه عمل کرده است و بازتاب نوشته‌های گزارشگران انگلیسی زبان، بیش از پیش از استقلال‌رأی و عمل خود کاسته است.^{۷۴}

مسئولان وزارت امور خارجه بریتانیا و سرویس جهانی بی.بی.سی سالهاست به این نتیجه رسیده‌اند که چرخ تبلیغات راهبردی و دیپلماسی عمومی آن کشور با دروغ‌پراکنی مستقیم و مداوم نمی‌چرخد. از این روی بی.بی.سی نیازی به دروغ‌گویی مداوم ندارد. این شبکه سالهاست که در پی جلب اعتماد مخاطب از طریق ارائه گزارشهای درست، به ارائه تصاویر غلط و ناکامل به مخاطبان خارجی در مواقع خاص مبادرت می‌ورزد. به بیان دیگر، سرویس جهانی بی.بی.سی برای جا انداختن گزارشها و اخبار خود و القای موارد لازم در موقع ضروری در بین مخاطبان خارجی، نخست باید در آنها این باور را ایجاد کند که رسانه‌ای راستگو و بی‌طرف است.

در این زمینه بحث تاریخ‌نویسان رسمی بی.بی.سی از جمله واکر درباره تقابل ادعای مخالفان بی.بی.سی درباره «یک آسمان دروغ بودن» برنامه‌های این شبکه در مقابل سیاست «یک آسمان آزادی» آنان بی‌اساس می‌نماید، زیرا سرویس جهانی بی.بی.سی نه کاملاً آزاد و نه سراسر دروغ. بلکه اگر قرار بر اعمال سیاست بریتانیا و تأمین منافع درازمدت این کشور باشد، این خواسته با دروغ‌گویی سیستماتیک و خلاف واقع که به سلب اعتماد مخاطب منجر شود تأمین نخواهد گشت.

در واقع بحث دیپلماسی عمومی بریتانیا، بحث سیاست هماهنگی نهادهای مختلف برای اهداف گوناگون راهبردی و درازمدت است. در این مسیر نباید متوقع بود که لحظه به لحظه فعالیتهای کوتاه‌مدت و روزمره نهادهایی همانند سرویس جهانی بی.بی.سی و یا بریتیش کانسل، منطبق بر سیاستهای اعلام شده دولتی بنماید، بلکه رسیدن به هدف نهایی و فتح قلوب و اذهان مخاطبان در خارج از مرزهای بریتانیا در میان‌مدت و درازمدت است که باید از هر طریقی ولو دادن امتیاز و تحمل ضررهای کوتاه‌مدت حاصل شود. به گفته نیکلاس کال، کارشناس مطرح تاریخ دیپلماسی عمومی، یکی از مشکلاتی که در این راه گریبانگیر سرویس جهانی بی.بی.سی است، عدم امکان رهایی از خاطره ناخوشایند مخاطبان از گذشته نه چندان قابل دفاع این

شبکه و صرفاً پرداختن به آینده‌ای پرزرق و برق و ظاهراً امیدوارکننده است.^{۷۵}

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای نمونه نوشته‌هایی از این دست ر.ک:
The BBC Persian Service ۱۰۴۱-۱۹۷۹ By: Massoumeh Torfeh,
http://www.open.ac.uk/socialsciences/diasporas/conference/pdf/history_of_bbc_persian_service.pdf Injaalandan ast The BBC Persian Service ۶۰ years on, By: Hossein Shabidi, ۲۰۰۶,
<http://www.iranian.com/History/۲۰۰۶/September/BBC>
بخش رادیو فارسی بی.بی.سی و جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران از ۱۳۳۲-۱۳۲۹ نوشته حسین شهیدی،
۱۳۸۰، http://www.mghaed.com/lawh/articles/bbc_۱۳۸۰.htm ۶۲ I سال فارسی: از اینجا لندن است تا سایت
ایترنیتی، نوشته مسعود بهنود، ۲۰۰۲، http://www.bbc.co.uk/persian/iran/۰۲۱۲۲۴_a-mb-bbc.shtml ۶۵ سال از
عمر رادیو فارسی بی.بی.سی گذشت، نوشته مهرداد واعظی نژاد، ۲۰۰۵،
[mv- http://www.bbc.co.uk/persian/new/story/۲۰۰۵/۱۲/۰۵۱۲۲۸_mv-sixtyfifth-persian.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/new/story/۲۰۰۵/۱۲/۰۵۱۲۲۸_mv-sixtyfifth-persian.shtml).
۲. <http://www.ictfarafoo.com/Default.aspx?TabId=۶۶&atId=۱۵۷>.
۳. برای مطالعه یکی از تازه‌ترین آثار منتشر شده آکادمیک غرب درباره دیپلماسی عمومی ر.ک:
The Public Diplomacy Reader, By: J. Michael Waller, Rutledge, London, ۲۰۰۷
برای مطالعه مجموعه مقالات تألیفی درباره دیپلماسی عمومی از نویسندگان مختلف به زبان فارسی ر.ک: کتاب
آمریکا(۶) ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا، به کوشش رضا دادرویس، مؤسسه ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۴. <http://www.fco.gov.uk/en/about-the-fco/what-we-do/funding-programmes/public-diplomacy>
۵. Public Diplomacy Review, By Lord Carter of Coles, p. ۸, British Council, London, ۱۹۹۵
<http://www.theyworkforyou.com/peer/lord-carter-of-coles>
۶. برای مشاهده دیدگاه جدید رسمی دولت آمریکا درباره دیپلماسی عمومی به زبان فارسی ر.ک:
<http://www.america.gov/st/freepress-Persian/۲۰۰۸/June/۲۰۰۸۰۹۰۵۱۲۳۸۱۰caifas۰ss۱۹۵۷۳.html?CP.rss=true>
۷. برای مشاهده تازه‌ترین و احتمالاً جامع‌ترین اثر منتشر شده درباره آژانس اطلاعات ایالات متحده ر.ک:
The Cold War and the United States Information Agency: American Propaganda and Public Diplomacy,
۱۹۴۵-۱۹۸۹, By: Nicholas J. Cull, Cambridge University Press, Cambridge, ۲۰۰۸
۸. برای آگاهی از بررسی دقیق درباره نقد تاریخی و عملکرد دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران ر.ک: فرهنگ،
ارتباطات و سیاست خارجی: دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران: ۱۳۳۲-۱۳۵۷، حسام‌الدین آشنا، پایان‌نامه
دکتر، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲.
۹. برای مطالعه بررسی گسترده و جدید درباره نمایندگی‌های دیپلماتیک بریتانیا در ایران و دیگر کشورهای حوزه
خلیج فارس ر.ک:
British Missoins Around the [Persian] Gulf, ۱۵۷۵-۲۰۰۵: Iran, Iraq, Oman, Kuwait, By: Hugh Arbuthnott &
..., Global Oriental, Kent, ۲۰۰۸
۱۰. برای مرور اجمالی از حدود وظایف و اختیارات دبیر یا کنسول شرقی سفارت بریتانیا در تهران ر.ک به مقاله
فخرالدین عظیمی با عنوان: British Influence In Persia: ۱۹۴۱-۱۹۷۹: در نسخه ایترنیتی *دایره‌المعارف ایرانیکا*:
Ends of British Imperialism, By: William Roger, <http://www.iranica.com/articles/v۱۱f۲/v۱۱f۲۰۰۱c.html>
Louis, P. ۷۲۹, I.B. Tauris, London, ۲۰۰۷
۱۱. برای سه نمونه مختلف از این مجموعه مکاتبات بین ایرانیان غیردولتی و دیپلماتهای محلی بریتانیا (مکاتبات
مأموران بریتانیایی با ایرانیها، مکاتبات ایرانیها با مقامات بریتانیایی و هر دو مورد) در اسناد آرشیو ملی بریتانیا

- (از این پس TNA) به زبان فارسی ر.ک به پرونده‌های: FO۲۴۸/۳۲۳ مربوط به سال ۱۸۷۶، FO۲۴۸/۲۹۳ مربوط به سال ۱۸۷۳ و FO۲۴۸/۳۴۷ مربوط به سال ۱۸۷۸.
۱۲. The Camels Must Go An Autobiography, Faber, London, ۱۹۶۱, p. ۲۸. برای بررسی انتقادی از زندگی ترات که در مواردی خالی از اشتباه هم نیست ر.ک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، [خاطرات حسین فردوست، نوشته و ویرایش عبدالله شهبازی]، چاپ دوم، مؤسسه اطلاعات، بهار ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۱۰۶-۱۰۱ و ج ۲، صص ۴۷-۴۰.
۱۳. All the Shah's Men: An American Coup & the Roots of Middle East Terror, By: Stephen Kinzer, At Her Majesty's Secret Service The و John Wiley & Son, London, ۲۰۰۳, pp. ۱۱۴, ۱۳۹, ۱۵۹, ۱۶۲, Chiefs of British Intelligence Agency MI۶, By: Nigel West (Rupert Allason) Greenhill Books, Newbury, ۲۰۰۶, p. ۱۱۷
۱۴. My Lucky Life, In War, Revolution, Peace & Diplomacy, Sam Falle, Book Guild, Sussex, ۱۹۹۶
۱۵. گزارش مستقیم دیپلماتیک انگلیسی از این بست‌نشینی: TNA, FO۴۱۶۳۵، روایت ایرانی از این ماجرا ر.ک: کاتوزیان، محمدعلی، انقلاب مشروطیت ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، صص ۱۹۰-۱۸۴، بررسی انتقادی از بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت بریتانیا در تهران ر.ک: جعفریان، رسول، بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. <http://www.Theyworkforyou.com/peer/lord-carter-of-coles>
۱۷. <http://www.britishcouncil.org/home-carter-report>
۱۸. برای نمونه ر.ک: به گزارش مفصل پارلمانی درباره دیپلماسی عمومی که با همکاری مسئولان سرویس جهانی بی.بی.سی در سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۵ در ۱۶۰ صفحه تهیه شده است.
- <http://www.publications.parliament.uk/pa/cm-۲۰۰۵-۰۶/cmselect/cmaff/۹۰۳.pdf>
۱۹. <http://www.bbc.co.uk/worldservice> / تاریخ رسمی و تبلیغی از سرویس جهانی بی.بی.سی به مناسبت شصتمین سال تأسیس آن مؤسسه:
- A Skyful of Freedom ۶۰ Years of The BBC World Service, By: Andrew Walker, Broadside Books, London, ۱۹۹۰
۲۰. <http://www.britishcouncil.org/new> / یک تاریخ رسمی و تبلیغی درباره تاریخ و عملکرد شورای فرهنگی بریتانیا:
- Around The World in Forty Years A British Council Life, By: Micheal Halstead, Square One Publications, London, ۱۹۹۹
۲۱. <http://www.bsn.org.uk> / تشریح اهداف و سیاستهای رسمی شبکه بی.اس.ان توسط وزارت خارجه بریتانیا: <http://www.fco.gov.uk/en/about-the-fco/what-we-do/funding-programmes/public-diplomacy/bsn>
۲۲. <http://www.fco.gov.uk/en/about-the-fco/what-we-do/funding-programmes/public-diplomacy/expos>
۲۳. <http://www.bbc.co.uk/worldservice/faq/news/story/۲۰۰۵/۰۸/۰۵۰۸۱۰-wsstart.shtml>
۲۴. Walker, ibid, pp. ۶۵-۶۹.
۲۵. Walker, op, cit, p. ۵
۲۶. <http://www.bbc.co.uk/worldservice/history/story/۲۰۰۷/۰۷/۰۷۰۱۲۲-html-۴۰.s.shtml>
۲۷. <http://www.tvlicensing.co.uk/index.jsp>
۲۸. تأکید از متن اصلی است.
۲۹. Department for Culture, Media and Sport, Review of the BBC's Royal Charter: A strong BBC independent of government, March ۲۰۰۵, p. ۴۳
۳۰. برای مشاهده چند زندگی‌نامه از دیدگاه‌های مختلف درباره لمبتون ر.ک: فصیحی، صمیمین، جریانهای اصلی تاریخ‌نگاری در عصر پهلوی، نشر نوند، مشهد، ۱۳۷۲، آن لمبتون، ایران‌شناس بریتانیایی از سفارت تا پژوهش،

شهران طبری، رادیو فردا، ۱۰ مرداد ۱۳۸۷،

Professor Ann Lambton: http://www.radiofarda.com/Article/۲۰۰۸/۰۷/۲۳۷۰۲_lampton_iran.html Persian scholar, The Times, July ۲۳ ۲۰۰۸ <http://www.timesonline.co.uk/comment/obituaries/article۴۷۹۴۶۴.ece>

۳۱. TNA, FO۲۷۱/۲۴۵۷۰

۳۲. Professor AKS Lambton, Persian scholar who produced classic works on Iran and was invaluable in professor Ann Lambton: و there, Daily Telegraph, ۰۸ August ۲۰۰۸ protecting Britain's interests Persianist unrivalled in the breadth of her scholarship whose association with SOAS was long and illustrious By: Burzine Waghmar, ۰۱ August ۲۰۰۸, <http://www.independent.co.uk/news/obituaries/professor-ann-lambton-persianist-unrivalled-in-the-breadth-of-her-scholarship-whose-association-with-soas-was-long-and-illustrious-۸۸۲۵۶۴.html>
<http://www.telegraph.co.uk/news/obituaries/۲۵۲۴۸۹۱/Professor-AKS-Lambton.html>

۳۳. TNA, FO۲۷۱/۲۴۵۷۰

۳۴. حسین شهیدی،

Injaa landan ast The BBC Persian Service ۶۰ Years on <http://www.iranian.com/History/۲۰۰۷/September/BBC>
گفتنی است که معصومه طرفه در آغاز چکیده نامه پژوهشی خود به اشتباه تأسیس بخش فارسی شبکه جهانی بی.بی.سی را در سالهای واپسین جنگ جهانی دوم ذکر کرده است:
<http://www.open.ac.uk/socialsciences/diasporas/conference/pdf/history-of-bbc-persian-service.pdf.p.۲>

۳۵. TNA, FO۲۷۱/۲۴۵۷۰.

۳۶. برای مطالعه زندگی نامه کوتاه از سوی هم‌کیشان او از موقر بالیوزی ر.ک:

Bahá'íWorld, Vol XVIII, ۱۹۷۹-۱۹۸۳, Heifa <http://bahai-Bahá'í World Center, ۱۹۸۶,pp.۳۵۱-۳۶۶>
library.com/file.php?file=francis-balyuzi-biography & language By: "Hassan M. Balyuzi, Hand of the Cause of God, the treasure of all humanity و Retrieved from <http://bahai-library.com/file.php?file=francis-balyuzi-biography&language=>, Richard Francis, ۱۹۹۸

۳۷. برای مشاهده دلایل ادامه حضور مجتبی مینوی در بریتانیا و همکاری او با بخش فارسی رادیوی بی.بی.سی، ر.ک به مقدمه کتاب: مینوی برگستره ادب فارسی، به کوشش ماه منیر مینوی، تهران توس، ۱۳۸۱.

۳۸. شهیدی، بخش فارسی بی.بی.سی ۱۳۳۲-۱۳۲۰ و جنبش ملی شدن نفت ایران.

۳۹. از اینجا لندن است تا سایت اینترنتی.

۴۰. با ترانه باران: زندگی و شعر گلچین گیلانی، کامیار عابدی، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۹.

۴۱. محسن رضوانی از رهبران فعالان جنبش چپ ایران روایت جالبی از ارتباطات پنهانی خود و همفکرانش با فرزند در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در لندن دارد. نگاهی از درون به جنبش چپ ایران مصاحبه حمید شوکت با محسن رضوانی، تهران، اختران، ۱۳۸۶.

۴۲. در هیچ یک از بخشهای بیوگرافی یا خاطرات منتشر شده یا شفاهی چهره‌های سرشناس ایرانی چون مجتبی مینوی، مسعود فرزاد، مجدالدین میرفخرایی، بهمن فرسی، محمود کیانوش، مهرداد نبیلی، فخرالدین عظیمی، فضل‌الله نیک‌آیین و شماری دیگر از ادبا و نویسندگان اشاره‌ای به همکاری تمام وقت و نسبتاً طولانی این ادبا و پژوهشگران با بخش فارسی بی.بی.سی نشده و اکثر آنان با اسامی مستعار با این شبکه همکاری داشته‌اند.

۴۳. فرزاد، هومان، سرگذشت من در جنگ بین‌الملل دوم، استانبول، برلین، شیراز، نشر شهاب، ثاقب، تهران، ۱۳۸۳.

۴۴. برای مشاهده پرونده‌های آزاد شده سازمان امنیت داخلی بریتانیا درباره دوازده سال تعقیب و مراقبت علیه مسعود فرزاد و همکاری سیستماتیک بی.بی.سی با دستگاههای امنیتی در این مسیر ر.ک:

Massud FARZAD/Homayoun FARZAD: Iranian In ۱۹۴۳ Homayoun FARZAD was parachuted into Persia as interpreter to a group of SD agents known as the 'Anton Group'. He was arrested in ۱۹۴۳ and interrogated. His brother Massud FARZAD worked for the Persian section of the BBC, TNA,

KV۲/۱۴۶۹&KV۲/۱۴۷۰, January ۱۹۴۳-December ۱۹۵۴.

۴۵. Torfeh, p. ۸.
۴۶. دولتهای ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی بر اساس دفتر ثبت کابینه‌های نخست‌وزیری، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه ریاست جمهوری، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، صص ۱۱۴ و ۵۰۵.
۴۷. <http://www.bahai-publishing-trust.co.uk/acatalog/BPT-BOOKS-ABOUT-THE-B-B-۱۹.html>
۴۸. Hassan M. Balyuzi Hand of the Cause of God the Treasure of All Humanity, By Richard Francis, = [http://bahai-library.com/file.php?file=francis-balyuzi-biography & language](http://bahai-library.com/file.php?file=francis-balyuzi-biography&language)
۴۹. . برای مطالعه تازه‌ترین چارتر (منشور) بی.بی.سی و تأکید آن بر پرهیز از داوریها و تمسک جستن به باورهای دینی و سیاسی ر.ک:
<http://www.bbc.co.uk/bbctrust/assets/files/pdf/regulatory-framework/charter-agreement/royalchartersealed-sept۰۶.pdf>
۵۰. THE BAHAI WORLD, AN INTERNATIONAL RECORD, Prepared under the supervision of The Universal House of Justice, VOLUME XVIII, Bahá'í World Centre Haifa ۱۹۸۶, p. ۵۰۳
۵۱. <http://www.bbc.uk/persian/multimedia/story/۲۰۰۷/۰۵/۰۷۰۵۱۱-zon-bahaie-garden-glx.shtml> &
<http://www.bbc.co.uk/persia/iran/story/۲۰۰۷/۰۵/۰۷۰۵۲۱-of-mp-bahai-shtml> &
<http://www.bbc.co.uk/persian/worldnews/story/۲۰۰۷/۰۵/۰۷۰۵۲۲-mp-bahai.shtml> &
<http://www.bbc.co.uk/persian/worldnews/story/۲۰۰۷/۰۵/۰۷۰۵۱۸-mp-kibuts.shtml> &
<http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/۲۰۰۷/۰۵/۰۷۰۵۱۵-of-mp-il-postcard-ped.shtml> &
<http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/۲۰۰۷/۰۵/۰۷۰۵۱۵-of-mp-il-postcard-el.shtml>
۵۲. TNA, FO۳۷/۲۴۵۷۰.
۵۳. TNA, FO۳۷/۲۲۲۱۳.
۵۴. FO۳۷/۲۸۹۱۴.
۵۵. <http://www.iranica.com/articles/vaf۴/vaf۴۲۶.html>.
۵۶. برای بررسی بیشتر زندگی الول ساتن ر.ک:
Iran (The Journal of British Institute of Persian Studies/BIPS) No. ۲۳, By: Edmund Bosworth, ۱۹۸۵, pp. iii-iv.
۵۷. بخش فارسی بی.بی.سی ۱۳۳۲-۱۳۲۰ و جنبش ملی شدن نفت ایران.
۵۸. مصاحبه دهقان با شهریار رادپور به مناسبت شصت و پنجمین سال تأسیس سرویس جهانی بی.بی.سی، نقل شده در طرفه، ص ۱۲.
۵۹. TNA, FO۳۷/۹۱۵۲۳.
۶۰. بخش فارسی بی.بی.سی و جنبش ملی شدن نفت ایران.
۶۱. Persian Oil, A Study in Power Politics, By: L.P. Elwell-Sutton, Lawrence & Wishard, London, ۱۹۵۵, pp ۲۴۱-۲۴۲.
۶۲. Torfeh, op. cit, p. ۱۷.
۶۳. <http://www.bbc.co.uk/radio۴/history/document/document-۲۰۰۵۰۸۲۲.shtml>.
۶۴. <http://www.publications.parliament.uk/pa/cm۲۰۰۰/۶/cmselect/cmfaff/۸۰/۸۰ap۰۹.htm>.
۶۵. <http://matafreshi.persianblog.ir/post/۱۰>.
۶۶. تفرشی، مجید، جدال در خلیج فارس: پژوهشی در اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه بریتانیا درباره جزایر سه‌گانه»، ضمیمه، هفتنامه شهروند امروز، ش ۶۱، ۱۰ شهریور ۱۳۸۷، ص ۷.

۶۷. <http://matafreschi.persiannlog.ir/post/۵۹>.

۶۸. مصاحبه نگارنده با تیم لولین در دفتر شبکه پرس تی وی در لندن.

۶۹. برای یک نمونه از این دست ر.ک: مقاله «پیشاهنگ دفاع از انسان و آزادی»، نوشته صادق صبا، چاپ شده در *یادنامه منوچهر محجوبی*، کانون نویسندگان در تبعید، لندن، ۱۹۹۰، صص ۲۷۴-۲۶۹.

۷۰. <http://www.bbc.co.uk/blogs/theeditors/۲۰۰۶/۱۰/speaking-to-iran-۱.html>.

۷۱. House of Commons, Minutes of Evidence Taken Before Foreign Affairs COMMITTEE, Foreign & Commonwealth Office Annual Report ۲۰۰۶-۲۰۰۷, Lord Kinnock, Martin Davidson, Margaret Mayne, Nigel Chapman & Alison Woodham, Wednesday ۲۷, June ۲۰۰۷, Q ۱۳۷.

۷۲. <http://www.cresc.ac.uk/events/broadcasting/index.html> &

<http://mediaresearchhub.ssrc.org/events/international-broadcasting-public-diplomacy-and-cultural-exchange>

۷۳. برای نمونه ر.ک: مصاحبه داریوش رجیبیان با معصومه طرفه به مناسبت همایش دانشگاه لندن درباره عملکرد

سرویس جهانی بی.بی.سی: <http://www.radiozamaneh.org/dariush/cat-۳۷۹>

۷۴. برای نمونه ای اخیر از این دست و ترجمه یک گزارش ناقص از منبع انگلیسی درباره آزادی تنها بازمانده تروریست حادثه گروگان گیری سفارت ایران در لندن در سال ۱۹۸۰، به جای تحقیق و نگارش یک گزارش اورژینال درباره ایران ر.ک:

<http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/۲۰۰۸/۱۰/۰۸۱۰۰۹-v-iran-hostage-embassy-shtml>.

۷۵. <http://mediaresearchhub.ssrc.org/events/international-broadcasting-public-diplomacy-and-cultural-exchange> - In this great future, you can't forget your past? The implications of the History of Diasporic: exchange Engagement for the Future of Public Diplomacy and International Broadcasting, By Nicholas Cull.